



## نگاهی به مقاله «رقص در ترازوی اخلاق»

مهرداد مهرجو

۱۶ بهمن ۱۳۹۹ - ۰۱۰

چندی پیش مقاله‌ای به قلم سروش دباغ تحت عنوان «رقص در ترازوی اخلاق» منتشر شد. دباغ در آن مقاله تقسیم‌بندی چهارگانه‌ای از انواع مختلف رقص ارائه می‌کند و به رابطه هر یک از آنها با اخلاق و شریعت می‌پردازد. در این جستار بر آن خواهم بود تا با واگویی نقد و تکمله خود به آن مقاله بپردازم.

تفکیک دباغ از انواع مختلف رقص عبارت است از: «رقص اروتیک»، «رقص شاد»، «رقص هنری» و رقص «صوفیانه (سماع)». از منظر ایشان بجز رقص اروتیک که با برانگیختگی قوای جنسی ببینیده همراه است، رقص‌های شاد، هنری و صوفیانه مغایرتی با ارزش‌های اخلاقی ندارد. سروش دباغ در ادامه مقاله به تشریح موضع بزرگانی چون خواجه نصیر، سهروردی و محمدغزالی و نیز فقیه معاصر محمدابراهیم جناتی نسبت به رقص روی می‌آورد. به توضیح دباغ رقصیدن تنها وقتی قبیح اخلاقی دارد که بیرون از ویژگی‌های ستوده انسانی نظیر «عفت» قرار بگیرد.

سؤال و موضوع اصلی ما در این مقاله ایسنت که آیا چنانچه دباغ تصریح می‌کند، تمامی رقص‌های شاد، نمایشی و صوفیانه عاری از قبیح اخلاقی است یا خیر؟ از منظر نگارنده، ضروری است که اقسامی برای هر یک رقص‌های شاد، نمایشی و صوفیانه قائل شد و سپس درباره رابطه آن با اخلاق سخن گفت. به این معنا که هر نوع رقص شاد، نمایشی و صوفیانه روا نیست. به تعبیر مولانا: «نه هر کلکی شکر دارد نه هر زیری زیر دارد/ نه هر چشمی نظر دارد نه هر بحری گهر دارد» [۱]. جهت روشن‌تر شدن بحث خوب است یادآور مطالبی درباره نحوه مواجهه اهل عرفان با سماع باشیم.

مولانا می‌گوید:

«بر سماع راست هر کس چیر نیست/ لقمه هر مرغکی انجیر نیست» [۲]

چنانکه از تعبیر «سماع راست» برمی‌آید، مولانا هر سماعی را روا نمی‌داند. در یکی از حکایات مثنوی نیز قصه صوفی مسافری را نقل می‌کند که مرکب خویش به امانت می‌سپارد و به خانقاه می‌رود و در مجلس سماع شرکت می‌کند. صوفیان از سر فقر و نداری، مجبور به فروختن مرکب این مسافر بودند. از

طرفی مطرب مجلس به تعبیر جلال‌الدین: «خر برفت و خر برفت آغاز کرد». این صوفی خام نیز به تقلید از دیگران همین گفته را تکرار می‌کند و با این کار به گونه‌ای ناخواسته بر فروش مرکب رضا داده بوده است [۲]. این حکایت را می‌توان ناظر بر همان لطیفه دانست که «بر سماع راست هر کس چیر نیست». سعدی هم می‌گوید: «جز خداوندان معنی را نغلطاند سماع [۴]» و نیز: «از هزاران در یکی گیرد سماع/ زانکه هر کس محرم پیغام نیست [۵]». می‌توان گفت اهل عرفان، از طرفی با کسانی که بدون هیچ و چون و چرایی به طور کامل با سماع مخالفند، و از طرفی با کسانی که از سماع و عرفان تنها به ظاهر اکتفا کرده‌اند، در جدال‌اند. برای مثال وقتی حافظ می‌گوید: «در سماع آی و ز سر خرقة برانداز و برقص/ و نه با گوشه رو و خرقة ما در سر گیر [۶]» دقیقاً به گروه اول که منکران سماع‌اند تعریض می‌زند و اگر سعدی می‌گوید: «از هزاران در یکی گیرد سماع» سر صحبت با مدعیان است. بنابراین اهل عرفان به دنبال سماع حقیقی یا به تعبیر مولانا «سماع راست» هستند و هر سماعی را روا نمی‌دانند. حال آنکه کدام سماع، سماع راست است و کدام نیست بحث دیگری است. تنها به بیان این مختصر اکتفا می‌کنم که نجیب مایل هروی برای اقسام سماع در طول تاریخ تصوف یک تقسیم‌بندی سه گانه ذکر می‌کند: «سماع مبتدیان یا شادباشانه»، «سماع مترسمانه و عادتی» و «سماع پختگان تصوف». مورد اول مختص کسانی است که بهره‌ای از عرفان ندارند و صرفاً برای شادکامی به آن می‌پردازند. مورد دوم خاص صوفیان بحثی و رسمی و مورد سوم مختص عارفان حقیقی است [۷]. هر چند بنظم تعیین مرز مورد اول و دوم امری نشدنی است؛ اما برای رساندن مطلب که کدام سماع، «سماع راست» است خالی از فایده نمی‌نماید. [۸]

بنظم بحث‌های درازآهنگ صوفیان را درباره رقص سماع می‌شود تا حدودی به رقص شاد و رقص نمایشی نیز تعمیم داد؛ به این معنا که می‌توان پرسید کدام رقص شاد و کدام رقص نمایشی به لحاظ اخلاقی صحیح و کدام ناصواب است؟ برای نمونه رقص نمایشی انواع و اقسام فراوانی دارد. طبیعتاً نه می‌توان همه را یکجا پذیرفت و نه همه را ناروا خواند. ضمن اینکه بسیاری از اوقات تعیین مرز دقیق این تقسیم‌بندی‌ها ممکن نیست. برای مثال ممکن است رقصی به شیوه رقص صوفیانه باشد؛ اما همانطور که در تقسیم‌بندی مایل هروی ملاحظه شد، در ذیل رقص شاد قرار بگیرد. به همین صورت ممکن است، گاهی میان رقص شاد، هنری و حتی صوفیانه با رقص اروتیک آمیختگی‌ها و هم‌سانی‌هایی دیده شود که به کل مغایر ارزش‌های اخلاقی خواهد بود؛

حال اینکه دقیقاً کدام رقص‌ها منافاتی با اخلاق ندارند، بحثی دیگر است و پرداختن به آن را خارج از حوصله متن حاضر و بضاعت خود می‌بینم.

در این جستار کوشیدم نکاتی چند بر مقاله «رقص در ترازوی اخلاق» نگاشته سروش دباغ، بیفزایم و نظر خود را درباره نگاه او به رابطه رقص و اخلاق تشریح کنم. دباغ در تقسیم‌بندی چهارگانه خود از رقص که عبارت است: «رقص اروتیک، هنری، نمایشی و صوفیانه»، تنها رقص اروتیک را به لحاظ اخلاقی مذموم می‌خواند. از منظر نگارنده باید برای یک از رقص‌های هنری، نمایشی و صوفیانه نیز اقسامی قائل شد. آنگاه درباره رابطه آن‌ها با اخلاق قضاوت کرد. به گونه‌ای که ممکن است میان پاره‌ای از رقص‌های نمایشی، شاد و حتی صوفیانه، هم‌سانی‌هایی با رقص اروتیک وجود داشته باشد و در نتیجه مقابل ارزش‌های پسندیده انسانی قرار بگیرند.

## ارجاعات:

- [۱] غزلیات شمس، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران، آدینه سبز، ۱۳۹۱، صفحه ۲۶۸
- [۲] مثنوی مولانا، شرح و توضیح کریم زمانی (نسخه قونیه)، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۷، دفتر اول، صفحه
- [۳] همان، دفتر دوم (فروختن صوفیان بهیمة مسافر را جهت سماع)
- [۴] کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی روغی، تهران، ققنوس، ۱۳۹۶، چاپ ششم، صفحه ۴۲۱
- [۵] همان، ۳۸۷
- [۶] دیوان حافظ، تصحیح و توضیح پرویز خانلری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲، چاپ سوم، صفحه ۵۲۰
- [۷] نجیب مایل هروی، اندر غزل خویش نهن خواه گشتن، تهران، نی، ۱۳۷۲، صفحه ۱۴ تا ۲۳
- [۸] برای اطلاع از جایگاه سماع در تصوف نگاه کنید به: اسماعیل حاکمی، سماع در تصوف، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴

رقص و آواز | سروش دباغ | سماع وعظ | مهرداد مهراجو